

علم أصول الفقه

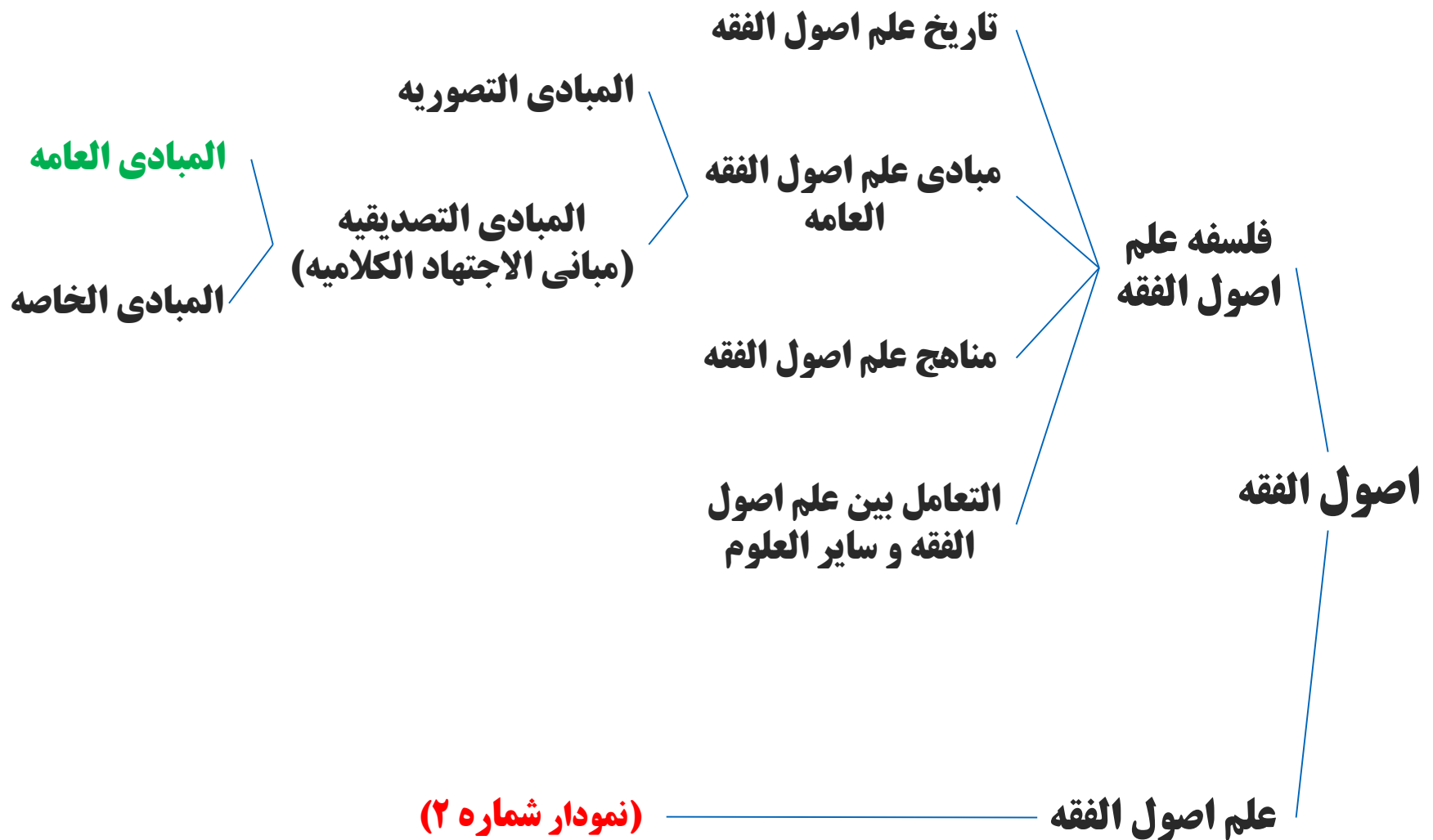
١٩ - ٧ - ١٤٠٥ القسم الثاني: الحجة

٩

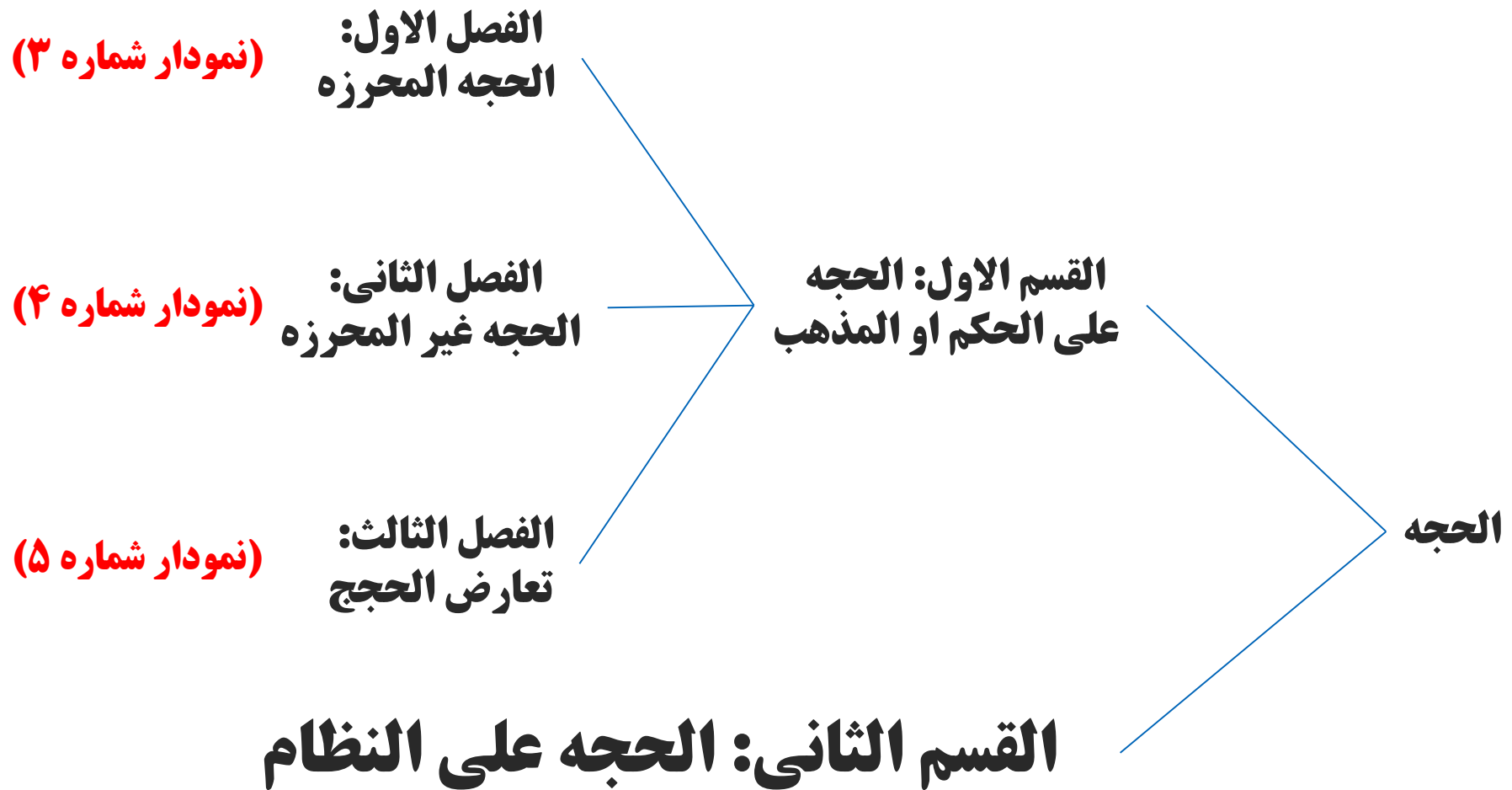
على النظام

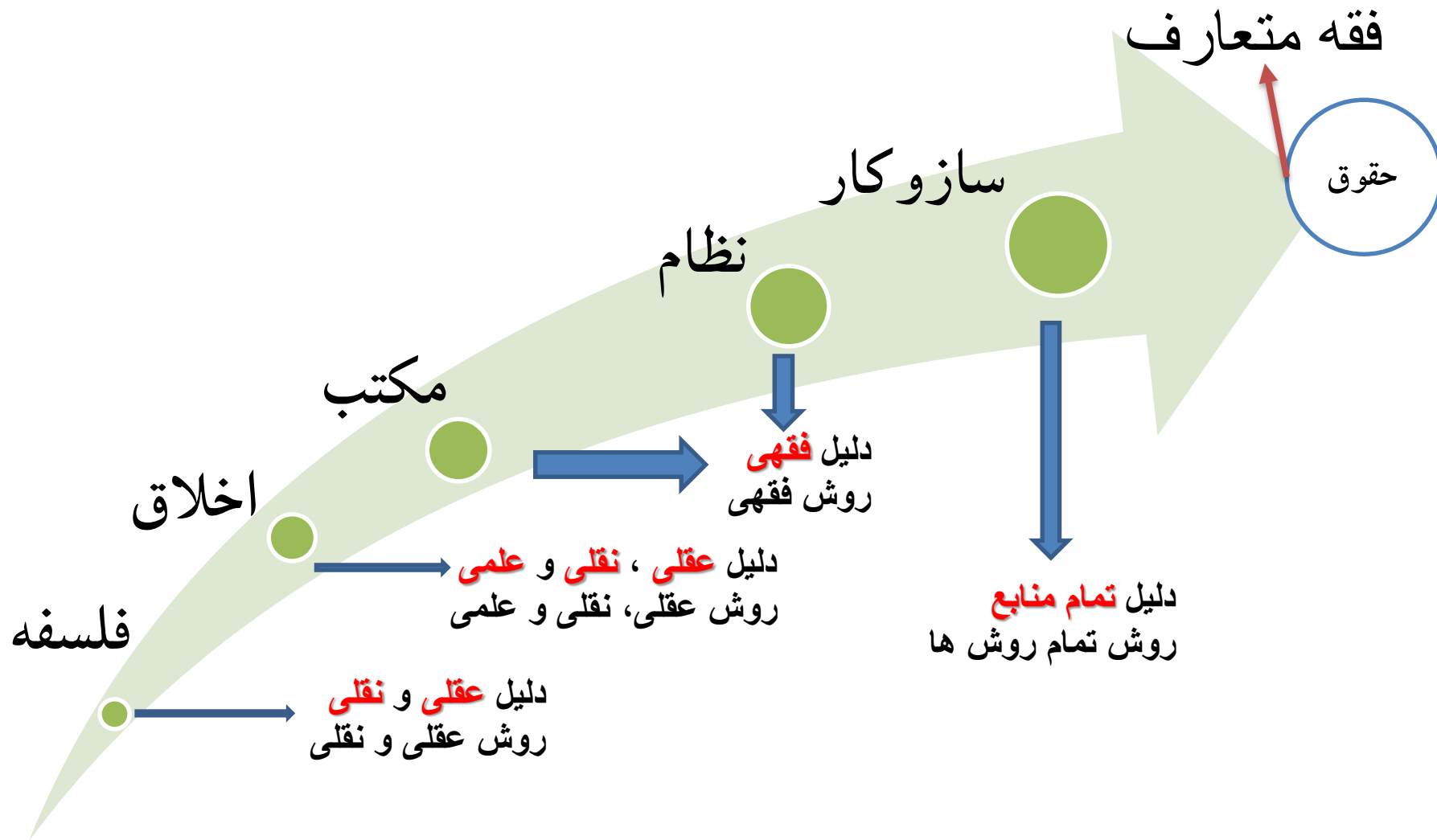
دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

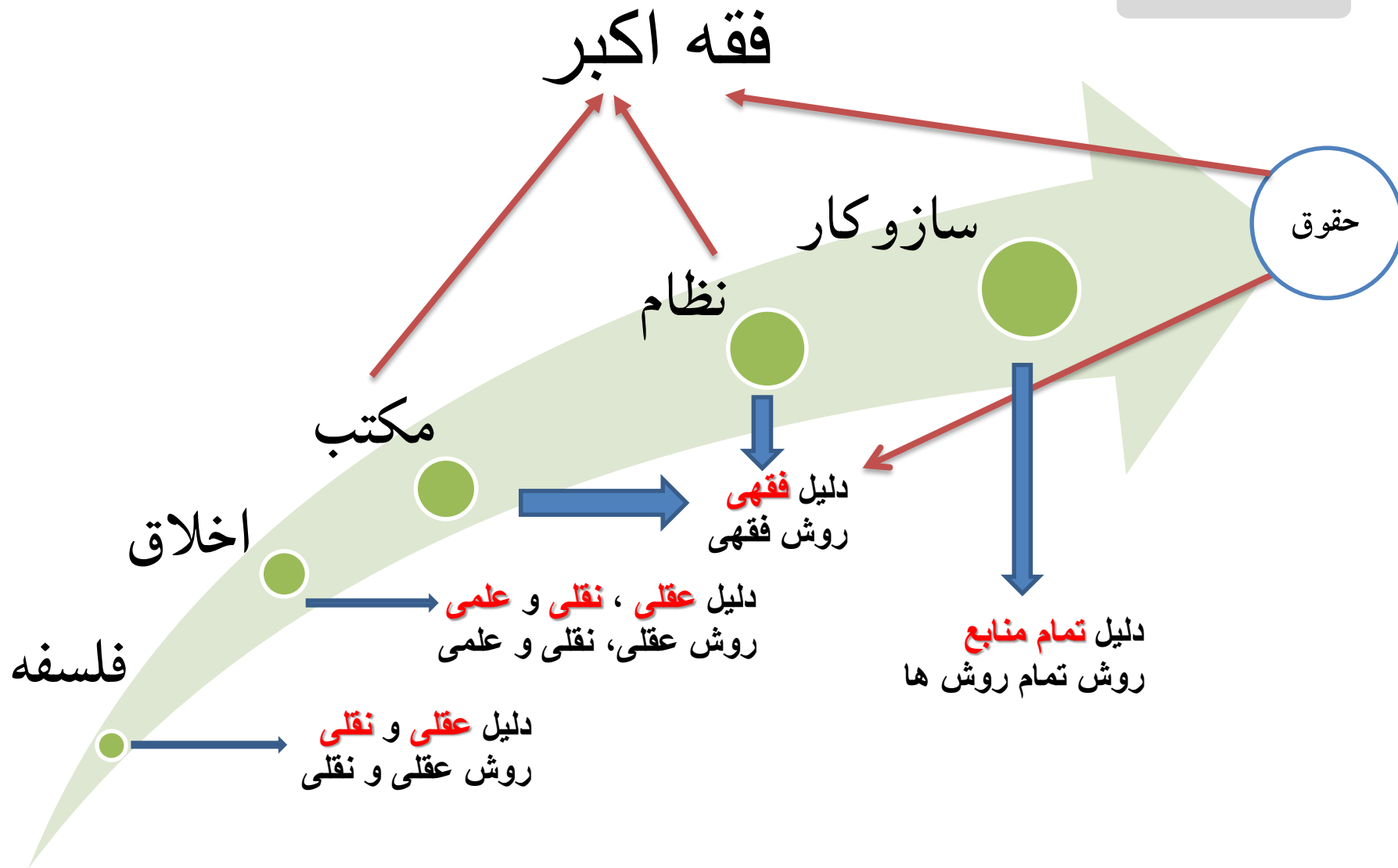
(نمودار شماره ۱)



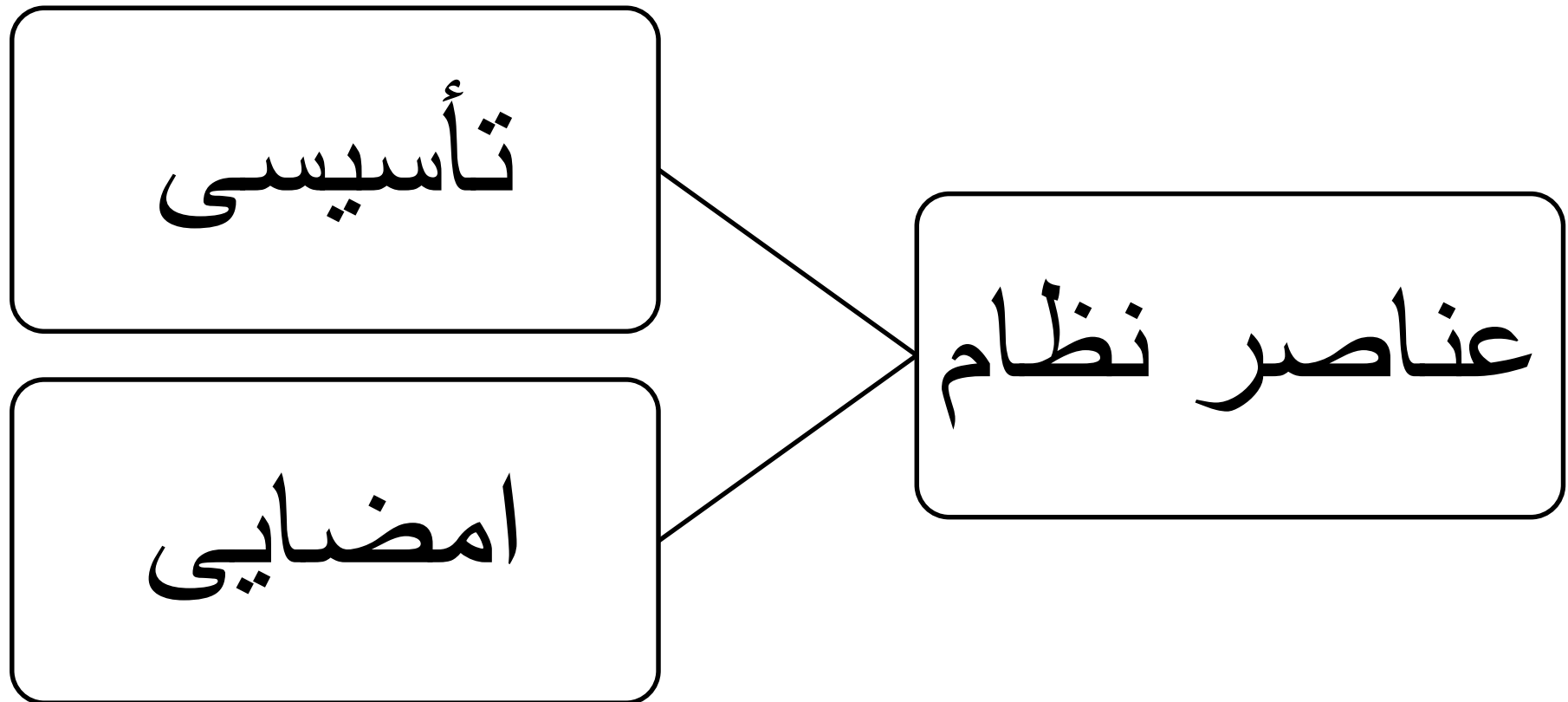
(نمودار شماره ۲)



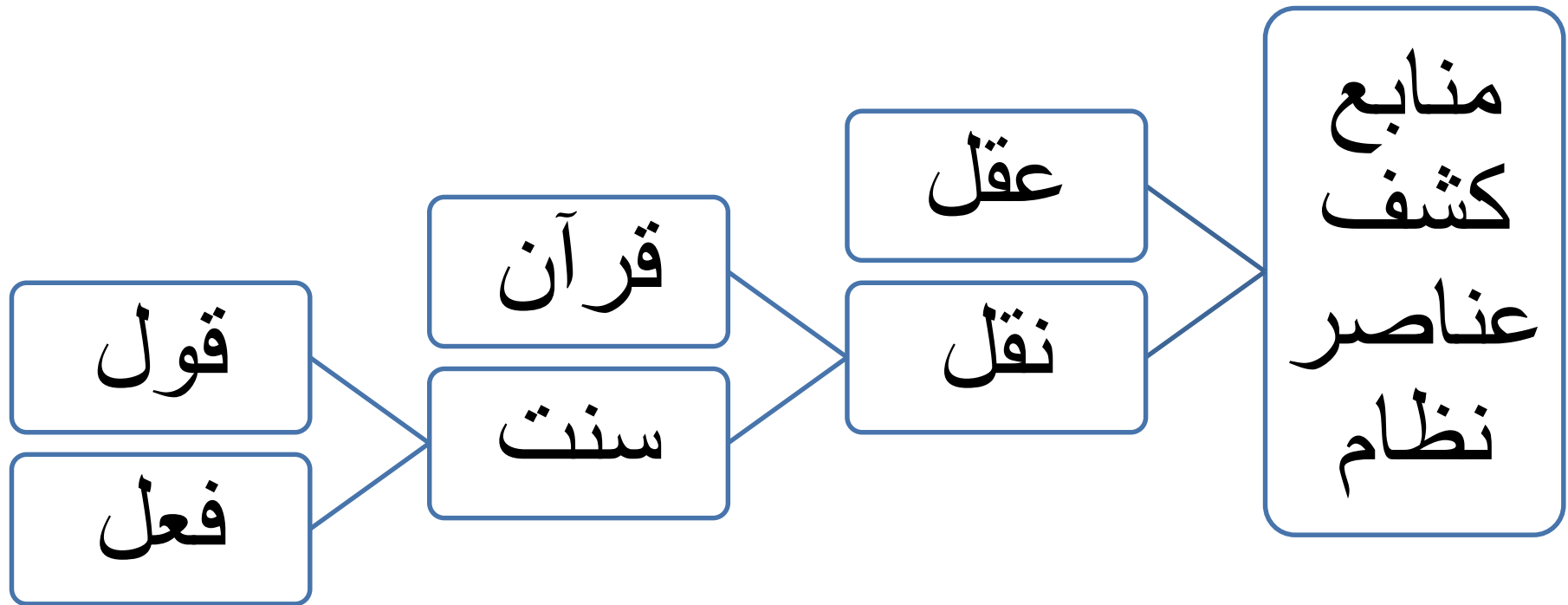




امضایی یا تأسیسی بودن عناصر نظام



نظريه اندیشه مدون در اسلام





اهداف

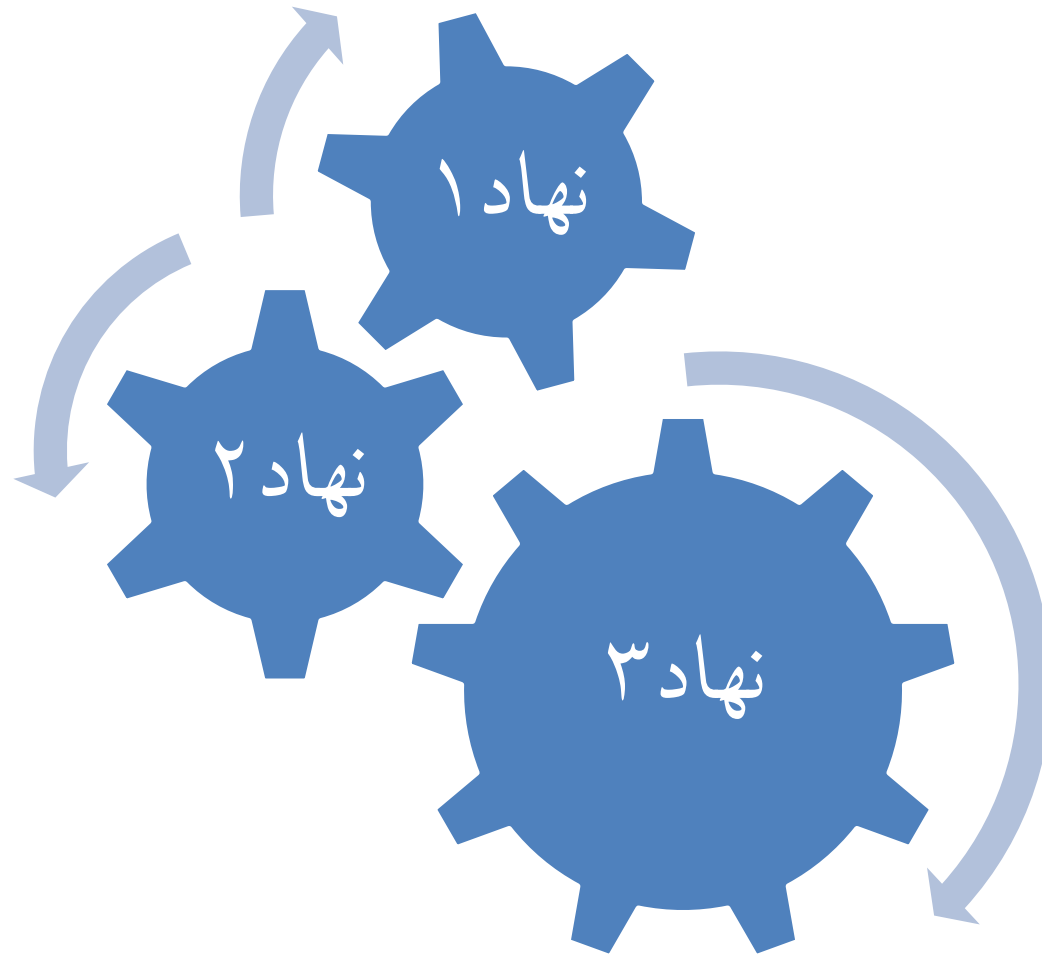
مبانی

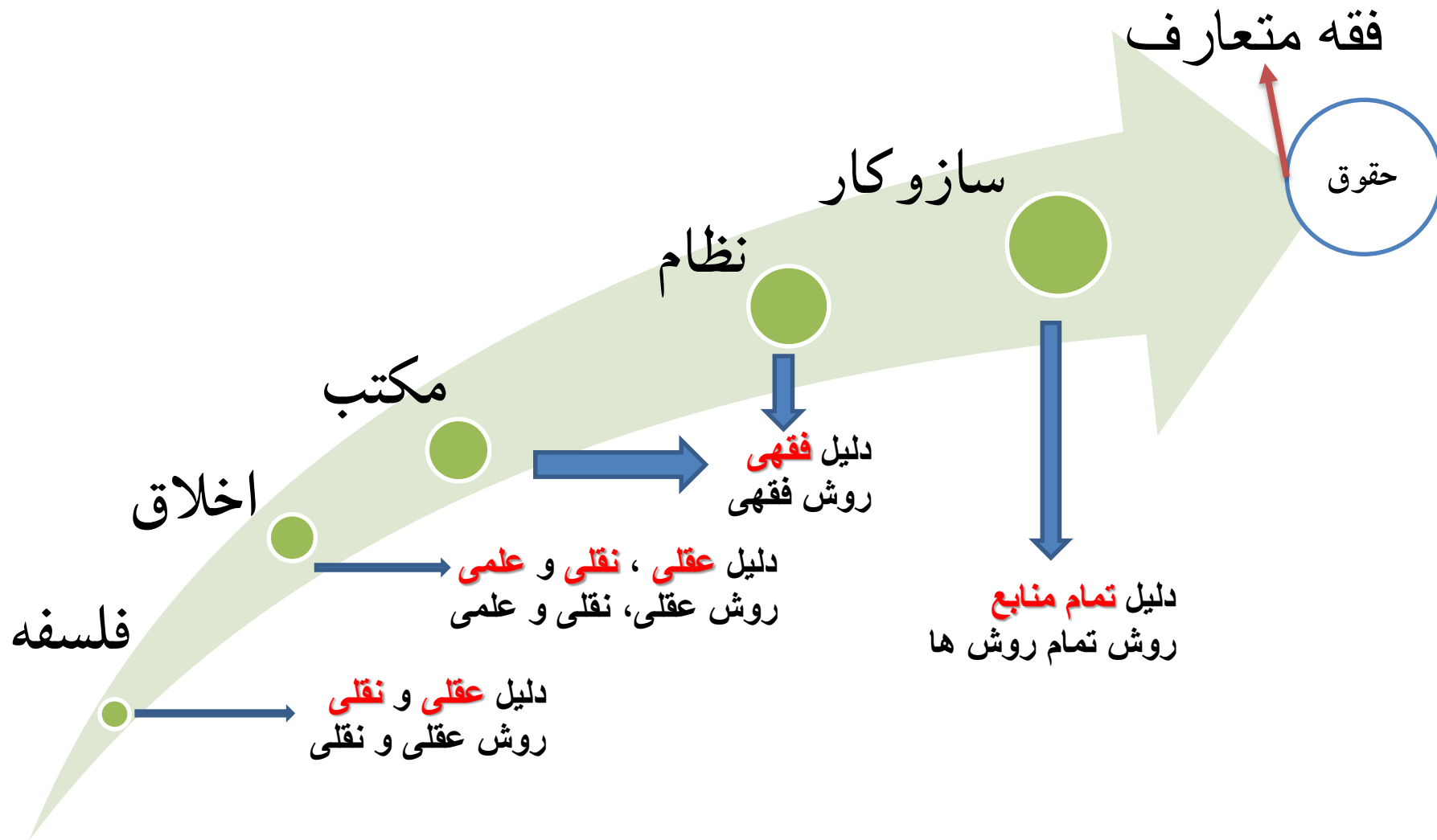
اهداف

نظام

مبانی

نظام (دستگاه نهاد های جهان شمول)





قوانین؛ لایۂ پیدای دین

- قوانین؛ لایۂ پیدای دین
- اما نکته دیگری که باید به آن توجه داشته باشیم این است که وقتی نظام می‌خواهد تحقق پیدا کند یا سازوکار می‌خواهد تحقق پیدا کند، تحققش به شکل یک مجموعه از قوانین خواهد بود.

قوانین؛ لایہ پیدای دین

- یعنی در واقع آن چیزی که نهایتاً دیده می‌شود و ما با آن لایه از اسلام برخورد مستقیم داریم، قوانین است؛ همین باید و نبایدها، همین حرام و واجب‌ها، مستحب‌ها، مکروه‌ها و مباحات؛ این لایه پیدای در واقع دین است.

قوانین؛ لایۂ پیدای دین

- زیرساختش آن نظامی است که امر ثابت است و سازوکاری است که به تناسب شرایط پیدا شده؛ در پی آن، یک سری قوانین پیدا می شود.

قوانین؛ لایۂ پیدای دین

- این قوانین برخی مستقیماً از مکتب نشأت می‌گیرد؛ یعنی مبانی مکتب، خودش در واقع یک تجلی قانونی پیدا می‌کند؛

قوانین؛ لایه پیدای دین

- وقتی مثلاً اسلام در حوزه اقتصاد مالکیت را به رسمیت می شناسد، یک سری قوانینی برای صیانت از مالکیت در اسلام پیدا می شود که این قوانین نتیجه آن اصلی است که در مبانی مکتب اقتصادی اسلام پذیرفته شده است به عنوان اینکه اصل مالکیت مورد پذیرش اسلام است؛

قوانین؛ لایۂ پیدای دین

- یا مثلاً وقتی که در حوزه مبانی، اسلام آزادی اقتصادی را می‌پذیرد، در مبانی مکتب اقتصادی اسلام، این در زمینه قانونی خودش را نشان می‌دهد؛ یعنی مجموعه‌ای از قوانین در اسلام پیدا می‌شود که آن قوانین تأمین‌کننده آزادی اقتصادی مردم هستند.

قوانین؛ لایۂ پیدای دین

- یا در حوزه اهداف، وقتی که مثلاً در اقتصاد می‌آییم می‌گوییم که یکی از اهداف اقتصاد اسلامی این است که فاصله بین اقشار فقیر و غنی، فاصله قابل تحملی باشد و این فاصله از یک حدی افزایش پیدا نکند؛ برای کنترل این فاصله مجموعه‌ای از قوانین پیدا می‌شود؛

قوانین؛ لایۂ پیدای دین

- مثلاً خمس، زکات و مالیات‌هایی که در اسلام هست، صدقات و مستحباتی که در اسلام است؛ این‌ها آمده‌اند برای اینکه از اقشار غنی، قسمتی از ثروت را به اقشار فقیر منتقل کنند تا این فاصله از یک حدی بیشتر نشود.

قوانین؛ لایه پیدای دین

- بنابراین خود مکتب، (چه در ناحیه مبانی و چه در ناحیه اهداف) و نظام، این‌ها در واقع تجلیات قانونی پیدا می‌کنند و وقتی می‌خواهد این نظام تحقق عینی پیدا کند، به تبع شرایط یک‌سری قوانین خاص شرایط که ناشی از سازوکار است، پیدا می‌شود؛

قوانین؛ لایہ پیدای دین

- یعنی الان مثلاً قوانینی کہ ما داریم؛ قوانین انتخاباتی؛
خب این قوانین انتخاباتی مربوط به شرایط فعلی
سیاسی ماست کہ ما این ساختار و این سازوکار را
پذیرفتیم و به تبع آن این قوانین انتخاباتی را پذیرفتیم.

قوانین؛ لایۂ پیدای دین

- یا در حوزه اقتصاد، الان قوانینی که مجلس شورای اسلامی به تناسب شرایط وضع می‌کند؛ مثلاً در یک دوره‌ای برای حمایت از سرمایه‌گذاری داخلی و تولیدات داخلی، می‌آید جلوی واردات بعضی از کالاها را می‌گیرد و می‌گوید اصلاً بعضی کالاها را نمی‌توانید وارد کنید؛ ممنوعیت ورود کالاها یک امر اولیه‌ی شرعی که نیست. این امری است که حکومت در یک شرایط خاص مصلحت می‌بیند و آن را اعمال می‌کند.

قوانین؛ لایۂ پیدای دین

- شرایط عوض می شود می گویند نه، این کالاها را می توانید وارد کنید ولیکن اگر وارد کردید باید فلان مقدار تعرفه گمرکی بپردازید. برای اینکه قیمت تمام شده ی این کالا با قیمت تمام شده ی کالای داخلی قابل رقابت باشد؛ چون اگر آن را بدون تعرفه گمرکی بیاورید خیلی ارزان است؛ شما می روید آن را برمی دارید و می آورید و کالای داخلی نمی تواند بازار پیدا کند، نمی تواند با شما رقابت کند و ورشکست می شود، دولت برای حمایت از صنایع داخلی تعرفه گمرکی می بندد.

قوانین؛ لایۂ پیدای دین

یک جایی هست که دولت می بیند نخیر، صنایع ما به ظرفیتی رسیده اند که باید قدرت رقابت با کالای خارجی را داشته باشند؛ برای اینکه این رقابت را ایجاد کند، می آید تعرفه گمرکی را برمی دارد و می گوید آقا این کالا آزاد شد و دیگر تعرفه گمرکی هم ندارد تا شما این کالا را وارد کنید؛ در نتیجه صنایع داخلی برای اینکه باقی بمانند، مجبور می شوند به رقابت؛ کیفیتشان را بالا می آورند و قیمتشان را پایین می آورند.

قوانین؛ لایۂ پیدای دین

این ابزاری که دولت استفاده می‌کند تابع شرایط است؛ در هر شرایطی که نمی‌شود این کار را کرد. در بعضی شرایط اگر ما تعرفه گمرکی را برداریم و آزاد کنیم، صنایع داخلی کلاً ورشکست و نابود می‌شوند.

قوانین؛ لایۂ پیدای دین

ما چرا نمی‌توانیم این کار را بکنیم؟ حالا بعضی‌ها می‌گویند آقا آزادش کنید تا ارزان شود؛ ببینید ما چون نگاه‌مان به مسائل، نگاه خرد است، گاهی وقت‌ها این جوری فکر می‌کنیم که خیلی خوب است؛ همه چیز ارزان می‌شود. نه، همه چیز ارزان نمی‌شود. کسی که این طور فکر می‌کند اشتباه می‌کند؛ در یک دوره‌ای این اتفاق می‌افتد و بلافاصله آثارش پیدا می‌شود.

قوانین؛ لایہ پیدای دین

- وقتی صنایع داخلی ورشکست شد چه می شود؟
 بیکاری بوجود می آید. وقتی بیکاری بوجود آمد رکود اقتصادی پدید می آید. رکود اقتصادی تورم ایجاد می کند و بلافاصله قیمت ها به صورت وحشتناکی بالا می رود. این طور نیست که این قیمت ها در این حد بماند. بعد وقتی کالایی می آید بازار را می گیرد اگر رقیب نداشته باشد روز اول و دوم ارزان می دهد، روز پنجم که دیگر کسی نیست قیمت را بالا می برد.

قوانین؛ لایۂ پیدای دین

- الان در دنیا ببینید خیلی جاهای دنیا این اتفاق می افتد. مثلاً فرض کنید در تایلند مردم به سیستم سنتی خرید و فروش وابسته بودند. در کشور تایلند که کشوری کاملاً سنتی بود مغازه‌های کوچک خواربارفروشی‌ها میوه‌فروشی‌ها، این فروشگاه‌های بزرگ آمدند در تایلند شعبه زدند. کسی نمی‌رفت از این فروشگاه‌ها خرید کند. چون اصلاً مردم عادت نداشتند جنس بسته‌بندی شده غیر تازه استفاده کنند.

قوانین؛ لایۂ پیدای دین

- هر روز می رفتند با قایق شان در آن آبراه های مثلاً بانکوک. بعد آنجا خرید می کردند.
- این فروشگاه های بزرگ آمدند چکار کردند؟ آمدند قیمت هایشان را از قیمت های متعارف خیلی پایین تر آوردند. نه تنها آوردند پایین بلکه یک هزار جور تسهیلات دادند. کالا را می آوردند در خانه تحویل می دادند. اعتبار می دادند که شما قسطی خرید کنید.

قوانین؛ لایہ پیدای دین

- یواش یواش مردم عادت کردند. یکی دو سال که تایلندی‌ها عادت کردند به این فروشگاه‌های بزرگ، این‌ها شروع کردند به بالا بردن قیمت. یعنی سه سال این فروشگاه‌ها ضرر می‌دادند وحشتناک. بعد از سه سال شروع کردند به بالا بردن قیمت. دیگر وقتی نبض بازار را دست می‌گیرند بالا می‌برند. طوری بردند بالا که همه آن ضرر سه‌ساله را در یک سال جبران کردند. این هست بالاخره در اقتصاد. این ابزارها وجود دارد.

قوانین؛ لایه پیدای دین

- در سیاست هم همین طور، خب این ابزارها را در اقتصاد اسلامی ما وقتی می خواهیم به کار بگیریم، باز همان دو نکته وجود دارد: اولاً باید بینیم با خود فلسفه، مکتب و نظام اقتصادی اسلام سازگار هست؟ چون بعضی از این ابزارها اصلاً ممکن است با این سازگار نباشد.

قوانین؛ لایہ پیدای دین

- مثلاً ربا یک ابزار کنترلی است در اقتصاد. با ربا کنترل می‌کنند بازار مالی را ولی اسلام آمده گفته خیر! آقا من ربا را قبول ندارم. اصلاً من این ابزار را قبول ندارم. شما برو دنبال سیستمی که این ابزار در آن نباشد. از اصل با آن مخالفت کرد.

قوانین؛ لایۂ پیدای دین

- بعد از اینکه یک سیستم، یک ابزار با اسلام سازگار بود یعنی با فلسفه مکتب و نظام اسلامی سازگار بود، بعدش باید ببینیم چه مقدار اهداف را در آن شرایط خاص تأمین می‌کنیم؟

قوانین؛ لایہ پیدای دین

- پس آنچه که می آید لایہ پیدای همه این بحث‌های ما می شود یعنی فلسفه، مکتب، نظام، سازوکار این‌ها آن لایہ پیدایشان می شود قوانین که این قوانین یک بخشش ثابت و جهان شمول است که از مثلاً مکتب و نظام نشئت می گیرد. یک بخشش متغیر است که از سازوکار نشئت می گیرد.

قوانین؛ لایۂ پیدای دین

- به همین دلیل است شما به مجموعه روایی ما مراجعه کنید، به مجموعه دینی ما مراجعه کنید بیشترین حجم را می بینید که پرداخته شده به قوانین. عمده فقه ما بیان قوانین است اگر نگوییم همه اش. چرا؟ چون این لایه پیدا همین است دیگر. آن قسمتی که مورد ابتلا مردم است.

قوانین؛ لایۂ پیدای دین

- بالاخره مردم آن چیزی که می خواهند فلسفه و نمی دانم مکتب و نظام، این ها مفاهیم است برای اقتصاددان، برای یک سیاستمدار که می خواهد طراحی بکند. این ها ارزش دارد ولی برای مردم که این چیزها نیست. بالاخره آقا ما این را بخریم یا نخریم؟ جایز است یا جایز نیست؟

قوانین؛ لایۂ پیدای دین

- همه حرف‌هایی که شما زدی درست است. می‌گوید بالاخره جایز است این را بخریم یا نه؟ واجب است این کار را بکنیم یا نه؟ آن چیزی که او می‌خواهد این است دیگر.

قوانین؛ لایه پیدای دین

- برای همین هم اهل بیت علیهم السلام نوع سؤالاتی که از شان می شده از قوانین بوده و آنها قوانین جواب دادند اما این معنایش این نیست که ورای این قوانین هیچی نیست. فقط قوانین است نه یک مجموعه کاملاً سازمان یافته ای از مفاهیم وجود داشته که اهل بیت خودشان می دانستند.

قوانین؛ لایۂ پیدای دین

- یعنی اگر علی بن ابی طالب علیه السلام بود امروز، اگر بود حضرت قطعاً ما می توانستیم سؤالاتی پرسیم که خیلی می توانست برای ما، در دنیای امروز کارگشا باشد.

قوانین؛ لایہ پیدای دین

- الان سخت است برایمان. شما باید بیشتر از طریق قوانین یعنی آن چیزی که لایہ پیدا بوده و مردم با آن ارتباط داشتند برویم دنبال کشف.

قوانین؛ لایۂ پیدای دین

- البتہ این سؤال پیدا می شود کہ چرا امام زمان عجل اللہ فرجہ الشریف نمی آید؟ ظهور نمی کند؟ بالاخرہ این ها را حضرت ہم می داند دیگر. امام زمان با علی بن ابی طالب علیہ السلام کہ هیچ فرقی ندارد. کلہم نور واحد. چرا حضرت نمی آید این ها را بہ ما بگوید؟

قوانین؛ لایه پیدای دین

- خب آن دیگر به تعبیر شیخ طوسی غیبه منّا است و از ماست، تقصیر خودمان است. اگر ما ظرفیت داشته باشیم... آن لحظه اولی که ظرفیت پیدا بشود در جهان برای اینکه امام زمان عجل الله فرجه الشریف ظهور کند اولین لحظه ممکن که این ظرفیت پیدا بشود، ایشان یک لحظه هم تأخیر نخواهد کرد.

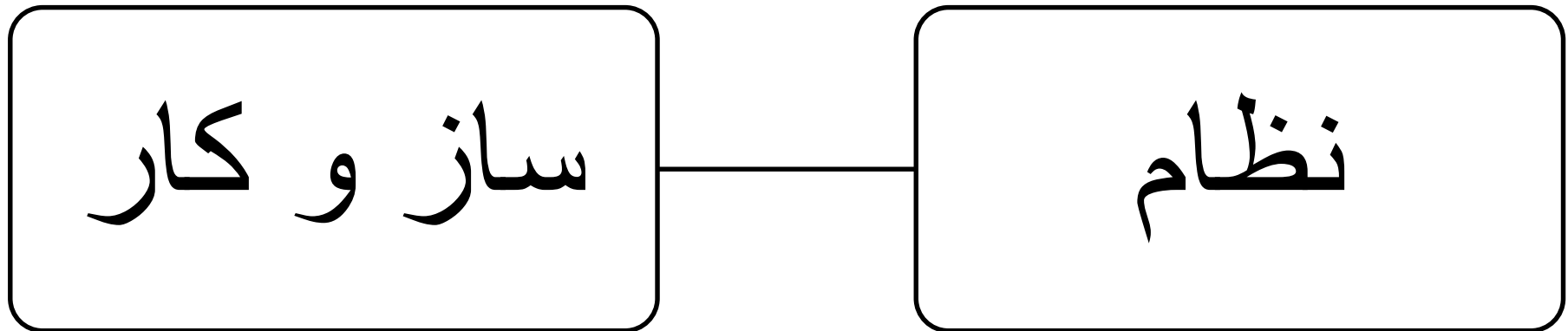
قوانین؛ لایہ پیدای دین

- چون از آن طرف که فاعلیت تامه است. آن طرف که نقصی نیست در ناحیه خدا. نقص این طرف است اگر ما می بینیم امام زمان عج ظهور نمی کند مشکل طرف ماست.

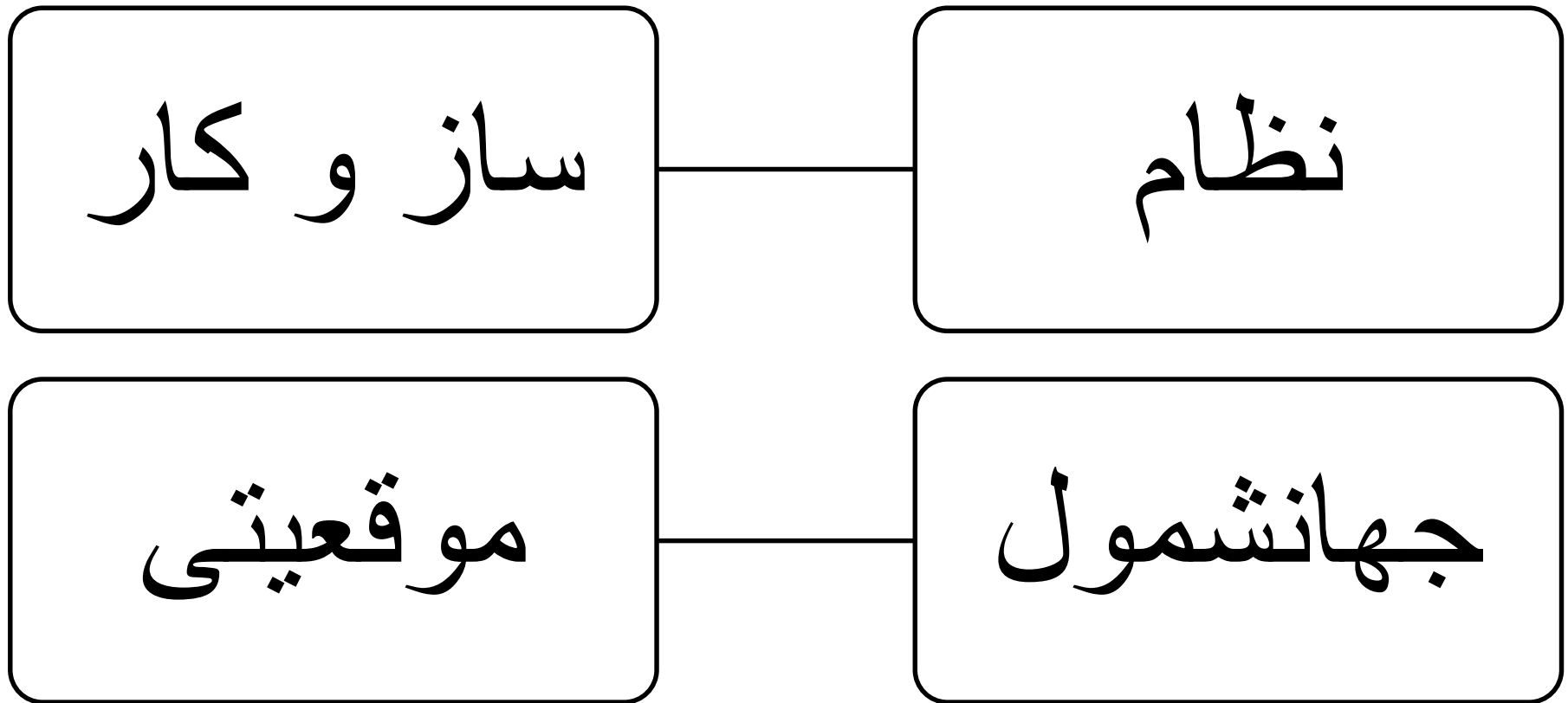
قوانین؛ لایۂ پیدای دین

- آن طرف که مشکلی ندارد. هر لحظه‌ای که این امکان فراهم بشود حضرت ظهور می‌کند. حالا تا آن زمان که حضرت ظهور کنند ما گرفتار این بحث‌ها هستیم و الا اگر حضرت می‌آمدند خب شاید بخشی از این بحث‌ها نیاز نبود.

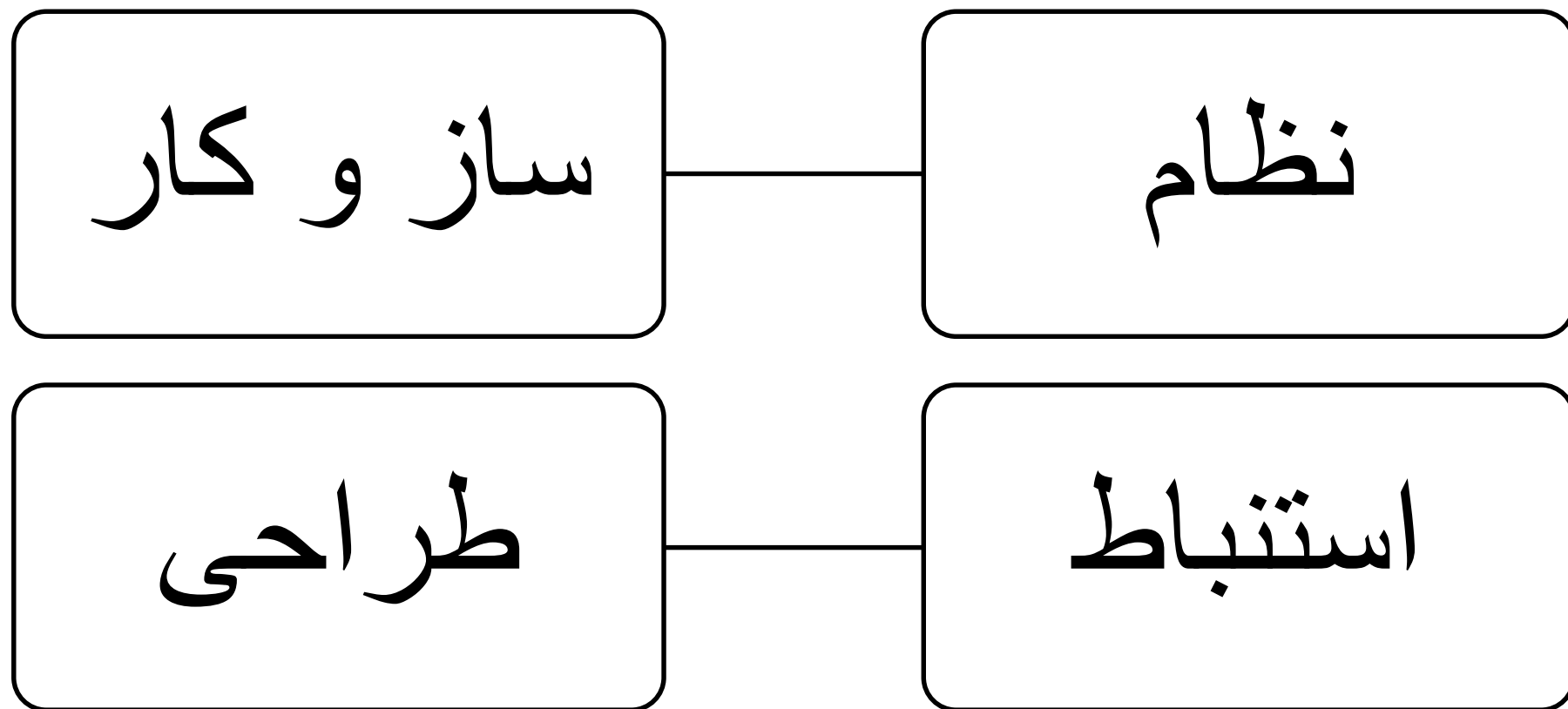
تفاوت نظام و ساز و کار



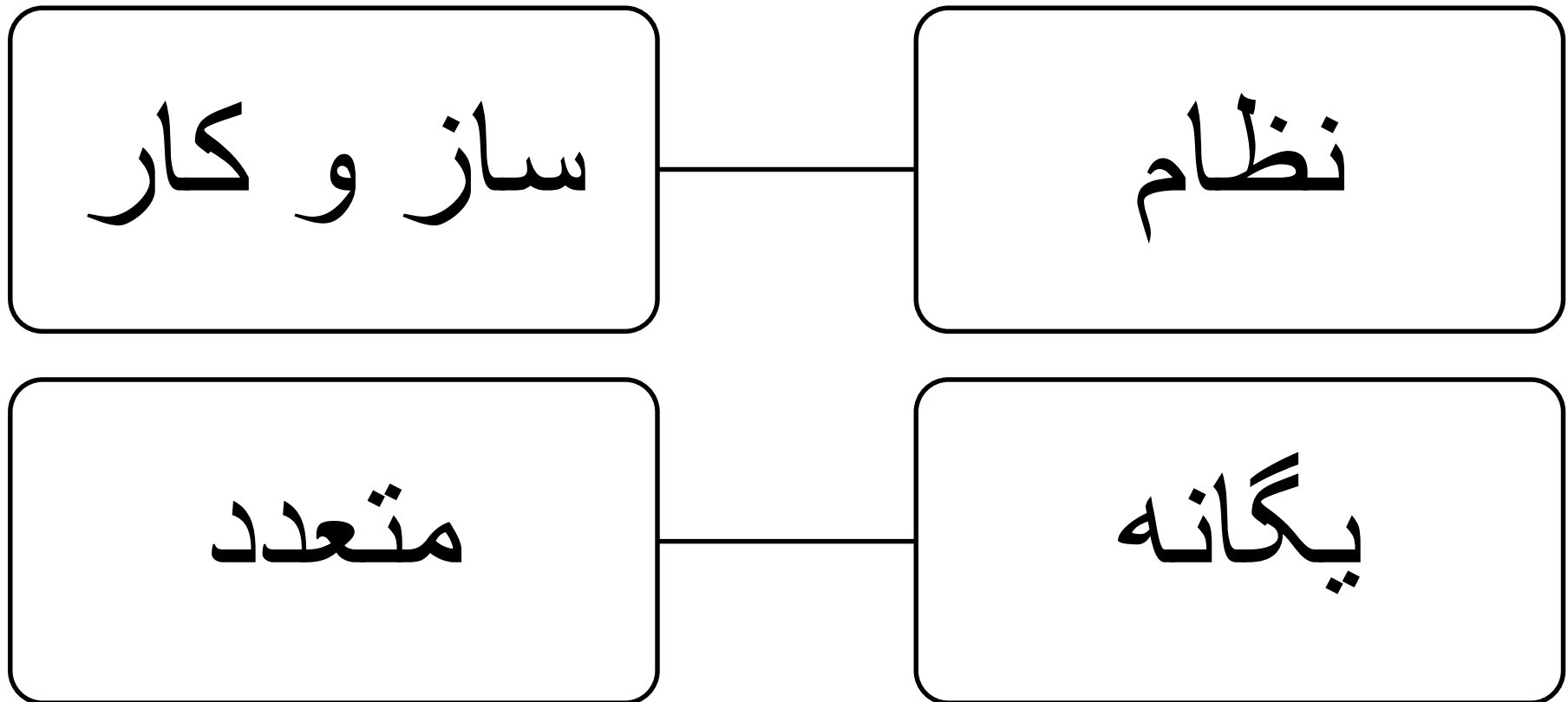
تفاوت نظام و ساز و کار



تفاوت نظام و ساز و کار



تفاوت نظام و ساز و کار



تفاوت نظام و ساز و کار

- تفاوت نظام و ساز و کار
- اقتصاد آن روزگار که حالا قبلاً عرض کردم بعضی به تمسخر می گویند اقتصاد پشم و شتر بوده... آن اقتصاد که یک اقتصاد ساده مبتنی بر یک سری روابط ساده اقتصادی بوده، با اقتصاد امروز که پیچیدگی های فراوانی پیدا کرده کاملاً متفاوت است اما این تفاوت باعث نمی شود که نظام اقتصادی اسلام در خارج قابل تحقق نباشد.

تفاوت نظام و ساز و کار

- نظام وابستگی به شرایط ندارد. آنچه که وابسته به شرایط است چیزی است به نام سازوکار که سازوکار در واقع تعیین آن نظام است در شرایط خاص. وقتی آن نظام اقتصادی می‌خواهد در یک شرایطی مثل صدر اسلام پیاده شود، به یک شکل پیاده می‌شود. یک سازوکار پیدا می‌کند. اگر بخواهد در یک شرایط دیگری مثل شرایط ما مثلاً پیاده شود، شکل دیگری پیدا می‌کند. سازوکار دیگری پیدا می‌شود.

تفاوت نظام و ساز و کار

- آن چیزی که ثابت است و از اسلام بدست میاید نظام است اما ساز و کار، تطبیق آن نظام در شرایط است که این تطبیق را ما با دانش خودمان انجام می‌هیم. ما **ساز** و **کار** را با مجموعه فهم و شرایطی که داریم **طراحی** می‌کنیم. برخلاف نظام که ما آن را کشف می‌کنیم. **نظام** در اسلام هست و ما آن را **کشف** می‌کنیم مثل مکتب، مثل فلسفه. ما نظام را نمی‌سازیم.

تفاوت نظام و ساز و کار

- نظام وجود دارد و ما آن را کشف می‌کنیم اما ساز و کار را ما طراحی می‌کنیم، ما می‌سازیم بر اساس اطلاعاتی که داریم؛ مثلاً وقتی ما می‌آییم در حوزه سیاسی و می‌خواهیم نظام سیاسی اسلام را تطبیق کنیم در یک شرایطی، مجموعه دانشی که در زمینه علوم سیاسی داریم تأثیر می‌گذارد در نوع سازوکاری که طراحی می‌کنیم.

تفاوت نظام و ساز و کار

- قبلاً هم عرض کردم که این سازوکاری که ما طراحی می‌کنیم برخلاف نظام که واحد است؛ یعنی نظام تعدد ندارد، اگر ما نظام‌های مختلف کشف کردیم یعنی مثلاً ما یک نظام اقتصادی کشف کردیم، یک کس دیگری نظام اقتصادی دیگری کشف کرد، هر دو تا قطعاً صادق نیست. یکی از ما لا اقل خطا کردیم. البته احتمال دارد هر دومان هم خطا کرده باشیم.

تفاوت نظام و ساز و کار

- مثل حکم شرعی که در واقع یکی است اما دو تا مجتهد دو جور حکم کشف می کنند. حداقل یکی از آنها خطا کرده

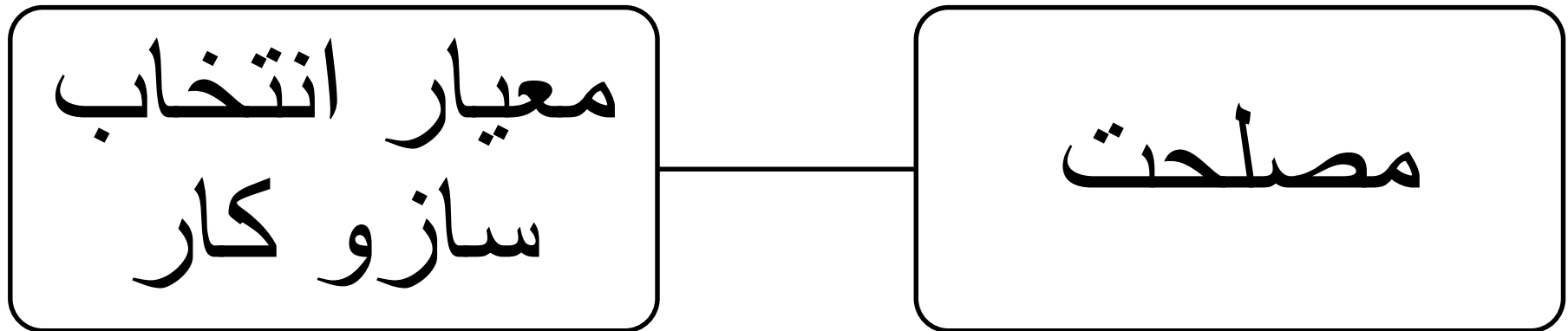
تفاوت نظام و ساز و کار

- اما ساز و کار واقعاً ممکن است در خارج متعدد باشد؛ یعنی در یک شرایط ما بتوانیم سازوکارهای متعددی را در واقع در نظر بگیریم که همه آن سازوکارها تأمین‌کننده نظام باشند؛ یعنی در واقع مبتنی باشند بر مبانی و ما را به اهداف برسانند.

تفاوت نظام و ساز و کار

- اگر چنین شد یعنی چندین ساز و کار وجود داشت که همگی بر مبانی مکتبی استوار بود و ما را به اهداف می توانست برساند و با نظام اسلامی سازگار بود (یعنی در واقع تطبیق نظام بود بر شرایط) اگر چنین ساز و کارهای متعددی پیدا شد، آنجا آن سازوکاری که با شرایط ما سازگاری بیشتری دارد و در واقع راحت تر می توانیم آن را تطبیق بدهیم و به اهدافمان زودتر می توانیم برسیم، آن انتخاب می شود.

تبیینی از معنای مصلحت



تبیینی از معنای مصلحت

- تبیینی از معنای مصلحت
- در واقع اینجا نوعی مصلحت سنجی صورت می گیرد؛ یعنی در واقع آن داستان مصلحت که ما دائماً در مباحث ولایت می گوئیم که می گوئیم اِعمال ولایت مبتنی بر مصلحت است، خود مصلحت در این بحث نظریه اندیشه مدون یک معنای سازمان یافته ای پیدا می کند.

تبیینی از معنای مصلحت

- از آن حالتی که مثلاً به نظر می‌رسد در ابتدای بحث مصلحت که یک امر کاملاً شخصی است و تابع نظر مثلاً حاکم است و امر موردی است که اینجا مصلحت این را می‌بیند، آنجا مصلحت آن را می‌بیند، این یک معنای سازمان‌یافته‌ای می‌شود و از حالت سلیقه‌ای و شخصی هم خارج می‌شود.

تبیینی از معنای مصلحت

- در واقع اگر ما این مراتبی که گفتیم درست طی کنیم... همان طوری که قبلاً هم اشاره کردیم اینجا هم هست... تحقق نظام اسلامی وظیفه همه آحاد جامعه است اما مدیریتش را دولت انجام می دهد.

تبیینی از معنای مصلحت

- عرض کردم نظام وقتی می‌خواهد تحقق خارجی پیدا کند، در قالب یک سازوکار در واقع تحقق پیدا می‌کند و عرض کردم در این بحث وقتی ما می‌خواهیم سازوکار را در واقع طراحی کنیم... که البته طراحی سازوکار به این معنا نیست که ما از خودمان می‌سازیم. ما همان نظامی را که کشف کردیم می‌خواهیم در شرایط خاصی تطبیق بدهیم.

تبیینی از معنای مصلحت

- وقتی ما می‌خواهیم آن نظام را در شرایط خاص تطبیق بدهیم ممکن است چند تا سازوکار وجود داشته باشد.

تبیینی از معنای مصلحت

- مثلاً نظام سیاسی اسلام می‌تواند چند تا سازوکار در یک زمان داشته باشد. یک سازوکارش مثلاً همان الگویی است که ما الان عمل می‌کنیم که مثلاً رئیس‌جمهور توسط رای مستقیم مردم انتخاب می‌شود. نمایندگان مجلس هم توسط رای مستقیم مردم انتخاب می‌شوند؛ یعنی در واقع انتخابات در حوزه قانون قوه مجریه و قوه مقننه صورت می‌گیرد.

تبیینی از معنای مصلحت

- البته خود تفکیک قوا هم از مفاهیم موقعیتی است. به همین دلیل در صدر اسلام مثلاً در حکومت علی بن ابی طالب (ع) یا در حکومت پیامبر ما تفکیک قوا نداریم. خود تفکیک قوا یک عنصر موقعیتی است. حالا این قوای تفکیک شده، مثلاً قوه مقننه، قوه مجریه یک وقت مثل سیستم ما جداگانه در واقع انتخاب می‌شوند.

تبیینی از معنای مصلحت

- انتخابات برای ریاست جمهوری است. یک انتخابات هم برای مجلس می‌گذاریم. حالا ممکن است منتخب ریاست جمهوری با منتخب مجلس یعنی منتخبان مجلس سازگاری داشته باشند. ممکن است نداشته باشند. آن تابع این است که مردم در آن شرایطی که رای می‌دادند، چطور رای دادند.

تبیینی از معنای مصلحت

- یک روش هم روش پارلمانی است به این معنا که در واقع احزاب می آیند کاندیداهای خودشان را برای مجلس معرفی می کنند. بر اساس رایی که احزاب می آورند مجلس شکل می گیرد. در نتیجه قوه مقننه می افتد دست آن حزبی که اکثریت را می آورد یا احزابی که با هم ائتلاف می کنند و در نتیجه ائتلاف آنها اکثریت پیدا می شود. بعد آنها رئیس دولت را تعیین می کنند.

تبیینی از معنای مصلحت

- حالا این رئیس دولت معمولاً در این سیستم نخست وزیر است نه رئیس جمهور. این ها می آیند رئیس دولت را تعیین می کنند که اگر این اتفاق بیفتد نتیجه اش این می شود که در واقع قوه مقننه و قوه مجریه دست یک جریان می افتد. در این سیستم چون در واقع همان حزبی که اکثریت را آورده در قوه مقننه، همان حزب می تواند دولت تشکیل بدهد و در نتیجه قوه مجریه را هم او به دست می گیرد،

تبیینی از معنای مصلحت

- خب این دو روش ممکن است هر دویشان اجرا شوند، با یک دقتی البته. با فرض اینکه داخل نظام اسلامی دیده شوند نه اینکه خارج از نظام اسلامی باشند و الا این روش‌ها در غیر حکومت اسلامی هم پیاده می‌شود.

تبیینی از معنای مصلحت

- در متن نظام اسلامی قدرت نظام در واقع نشئت گرفته از ولایت فقیه است یعنی مصدر قدرت در نظام سیاسی اسلام ولایت فقیه است. اگر آن سیستم طوری طراحی شده که مصدر قدرت یعنی ولایت فقیه تثبیت شود و جایگاه او تثبیت شود، حالا شکل توزیع این قدرت و یا در واقع اجرای ساختاری آن حکومت آن ممکن است در شرایط مختلف تفاوت پیدا کند.

تبیینی از معنای مصلحت

- اینکه حالا ما نظام پارلمانی را انتخاب بکنیم یا نظام مثلاً ریاست جمهوری را (همین سیستمی که الان داریم) به فرض اینکه هر دوی این‌ها با نظام اسلامی سازگاری داشته باشند، هر دویشان مبتنی باشند بر مبانی مکتب سیاسی اسلام و در راستای اهداف مکتب سیاسی اسلام باشند، اینجاست که عنصر مصلحت پیدا می‌شود.

تبیینی از معنای مصلحت

- مصلحت در اینجا عرض کردم یک معنای خاص غیر سلیقه‌ای می‌شود؛ یعنی ما می‌آییم می‌بینیم از نظر مجموعه اطلاعات و داده‌هایی که داریم و توان علمی که در تحلیل این داده‌ها داریم ببینیم کدام یک از این دو در شرایطی که ما در آن قرار داریم در دستیابی ما به نتایج موفق‌تر می‌توانند باشند، با مشکلات کمتری مواجه‌اند، سازگارتر با شرایط‌اند.

تبیینی از معنای مصلحت

- این بار که داریم سنجش می‌کنیم در واقع از این جهت سنجش می‌کنیم که وقتی آن را کشف کردیم... (حالا با همان دانشی که داریم) مثلاً فرض کنید در حوزه سیاسی، دانش‌های سیاسی که داریم، در حوزه اقتصادی، دانش‌های اقتصادی که داریم، طبق آن انتخاب می‌شود.

تبیینی از معنای مصلحت

- سازوکار میدانی است که فقاہت یعنی دانش دینی و دانش روز کنار هم قرار می گیرند و یک تعاملی با هم پیدا می کنند؛ یعنی وقتی می خواهد سازوکار اقتصادی شکل بگیرد، فقه می آید کنار دانش اقتصاد قرار می گیرد، با همدیگر سازوکار را طراحی می کنند.

تبیینی از معنای مصلحت

- اگر می‌خواهد سازوکار سیاسی شکل بگیرد فقه می‌آید کنار دانش سیاسی قرار می‌گیرد و با همدیگر در واقع می‌خواهند سازوکار سیاسی را طراحی و انتخاب کنند.

تبیینی از معنای مصلحت

- بحث مثلاً وحدت حوزه و دانشگاه، همکاری حوزه و دانشگاه و تعابیری از این قبیل در این بحث معنادار می‌شود که اصلاً محدوده همکاری و شکل همکاری کجاست؟

تبیینی از معنای مصلحت

- آنجایی که در واقع این دو تا یعنی دانش‌های بشری به یک معنا و دانش‌های دینی به یک معنا به هم می‌رسند و آن محصولی که به دست می‌آید، محصول هر دوی این‌هاست؛ یعنی میزان تسلط ما بر دانش‌های دینی و میزان تسلط ما بر دانش‌های بشری تأثیر می‌گذارد در نتیجه‌ای که به دست می‌آید.

تبیینی از معنای مصلحت

- آن سازوکار یعنی ما یک سازوکار اقتصادی که طراحی می‌کنیم کاملاً توان دینی خودمان را با توانی که در حوزه علم اقتصاد داریم به کار می‌گیریم؛ یعنی باید به کار بگیریم حالا مقصود از اینکه به کار می‌گیریم نه اینکه حالا ضرورتاً این اتفاق در خارج می‌افتد؛ یعنی باید به کار بگیریم.

تبیینی از معنای مصلحت

- ما هر چه در حوزه اقتصاد بلدیم، هر چه داریم به عنوان دانش با هر چه که در حوزه اقتصاد از دین به دست آوردیم باید این دو را در یک تعاملی کنار هم قرار بدهیم که حالا حتی شکل آن تعامل را ما در این بحث‌ها مطرح کردیم که فعلاً نمی‌خواهم وارد آن بحث بشوم.

تبیینی از معنای مصلحت

• در تعامل واقعی این دو حوزه دانشی یعنی دانش‌های دینی و دانش‌های بشری است که سازوکارها شکل می‌گیرد و ما مثلاً یک دو سه پنج تا ممکن است سازوکار اقتصادی طراحی کنیم و بگوییم در شرایط ما پنج تا سازوکار معنادار است.

• باید بیاییم از بین این پنج تا سازوکار باز با همان روش‌های دانشی که داریم، با توجه به شناختی که از موقعیت داریم... چون می‌بینید مثلاً دانش‌های روز،

دانش‌های بشری دو بخش دارد: یکی بخش مادی و دیگری بخش معنوی. در جلسه ۶ تاریخ ۱۳۹۰/۰۹/۰۲ در مجلس شورای اسلامی تهران

تبیینی از معنای مصلحت

- ما بر اساس آن اطلاعاتی که از واقعیت‌های عینی با روش‌های علمی به دست می‌آوریم و تحلیلی که از آن داده‌ها داریم، آن موقع است که می‌توانیم انتخاب بکنیم. ببینیم کدام‌یک از این سازوکارها که فرض این است به لحاظ مبانی دینی همگی مبتنی بر مبانی دینی هستند؛ یعنی از جهت مثلاً به تعبیر اجرایی امروزشان تأیید شورای نگهبان را دارند که با قانون اساسی و شرع سازگارند.